

۲۰۰۴۱۳.
۹۹,۱۵۷



استعاره پردازی در ساختار سازمان

از حمید گرای تا نظام گرای

حمیدرضا علمشاهی

سرشناسه	:	علمشاهی، حمیدرضا، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	استعاره‌پردازی در ساختار سازمان از خردگرایی تا نظام‌گرایی/حمیدرضا علمشاهی.
مشخصات نشر	:	تهران : صفار، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۶۸ ص.
شابک	:	978-964-388-558-8
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	سازمان
موضوع	:	Organization
موضوع	:	استعاره
موضوع	:	Metaphor
رده بندی کنگره	:	HD ۳۷/ف۲ع۸ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	:	۶۵۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۴۱۳۳۲۲

فهرست‌نویسی پیش از انتشار: انتشارات صفار



نام کتاب : استعاره‌پردازی در ساختار سازمان (از خردگرایی تا نظام‌گرایی)

مؤلف : حمیدرضا علمشاهی

حروفچینی: معرفت

طرح جلد : فرهاد کمالی

لیتوگرافی : گنج شایگان ① ۵۵۰۲۱۸۴

چاپخانه : گنج شایگان ① ۵۵۴۰۳۴۷۸

نوبت چاپ : دوم - زمستان ۱۳۹۹

شمارگان : ۲۲۰ نسخه

قیمت : ۱۲۰۰۰۰ ریال

ناشر : انتشارات صفار

مرکز پخش : خیابان انقلاب - روبروی دبیرخانه دانشگاه تهران - بازار - همدان - طبقه همکف

انتشارات اشراقی ① ۶۶۴۰۸۴۸۷ تلفن: ۶۶۷۰۹۹۲

خیابان انقلاب - روبروی دبیرخانه دانشگاه تهران - بازارچه کتاب - طبقه زیرین

پخش کتاب بینش ① ۶۶۴۹۶۲۹۹

کتابفروشی صفا ① ۶۶۹۷۸۸۴۶

www.saffarpublishing.ir

www.Eshraghipub.com

Email: saffar_publishing@yahoo.com

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۸-۵۵۸-۸

ISBN 978-964-388-558-8

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر، یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

مدیریت واحد تولید انتشارات صفار: ۰۹۱۲-۱۰۷۳۰۰۳

فهرست

پیشگفتار ۶

بخش اول: استعاره‌های مفهومی در سازمان ۱۰

استعاره مفهومی ۱۰

استلزام دنیایی و استلزام استعاری ۱۷

یک‌سویتی ۱۸

همسانی ۱۹

ادراک استعاری ۲۰

استعاره‌گرایی در شناخت سازمان ۲۱

بخش دوم: سازماندهی و ساختار سازمانی ۲۶

تقسیم کار ۲۶

واژه‌شناسی سازمان، سازماندهی و ساختار ۲۷

خردگرایی و نظام‌گرایی در نگرش به سازمان ۳۰

مراحل سازماندهی ۳۴

شیوه‌های بنیادین سازماندهی ۳۵

۳۶ ساختار سازمانی

۳۸ - ابعاد ساختاری

۳۹ - ابعاد محتوایی

۴۲ بخش سوم: سازمان؛ چرا ماشین؟ چرا زیستمند؟

۴۲ ساختار سازمانی و محیط

۴۳ واژه‌شناسی ماشین

۴۴ ساختار ماشینی

۵۲ ساختار زیستی

۵۷ واژه‌شناسی سیستم

۵۸ سیستم باز و ویژگی‌های آن

۵۹ - کلیت

۵۹ - ارتباط و همبستگی اجزا

۶۰ - سلسله‌مراتب

۶۰ - تناسب میان اجزا

۶۰ - هدفمندی

۶۰ - فرایندمداری

۶۱ - پایداری (خودایستایی)

- هم‌پایانی ۶۱
- آنтроپی ۶۱
- سازمان، سیستم باز اجتماعی ۶۲

پیشگفتار

نخستین بار ارسطو در کتاب «فن شعر»^۱ خود ضمن تعریف استعاره از چهار گونه استعاره نام برد که مفهوم نوین استعاره نیز با چهارمین گونه استعاره یعنی استعاره تناسبی^۲ مطابقت دارد. ارسطو استعاره را «انتقال نام چیزی به چیزی دیگر» تعریف کرد. خاستگاه این تعریف، نگاه ادبی به استعاره و نام نهاد آن واژه انتقال؛ metaphora در زبان یونانی است، برپاخته از مصدر metapherein (مربک از meta به معنای فرا و pherein به معنای برن) به معنای فرا بردن و انتقال دادن. از نظر ارسطو گفتار شامل فنون سه گانه منطق، سخنوری و شعر بوده و استعاره پردازی از ویژگی های فن شعر برای بیان شاعرانه و شالوده آن قیاس است. آنچه او درباره قیاس می گوید، انتقال بر پایه قیاس است. با انتشار کتاب «استعاره هایی که با آنها زندگی می کنیم»^۳ از سوی جورج لیکاف^۴ و مارک جانسون^۵ در سال ۱۹۸۰ و طرح سایر استعاره های مفهومی در آن، دیده شد که چگونه استعاره ها در سرتاسر زبان گفتار روزمره ما و به اصطلاح زبان خودکار ما حضور دارند. به گفته آنها؛ مفاهیم حاکم بر اندیشه ما تنها شامل موضوع های فکری نمی شود، بلکه کارهای روزمره ما با پیش پا افتاده ترین جزئیات را نیز برمی گیرد. این مفاهیم ادراکات و چگونگی مراوده های ما در جهان و چگونگی ارتباط ما با دیگران را تشکیل می دهند. بنابراین، نظام مفهومی ما نقشی اساسی در تعریف واقعیات روزمره مان ایفا می کند. اگر نظر ما مبنی بر اینکه نظام مفهومی مان اساساً استعاری است، درست باشد، آنگاه باید بپذیریم که شیوه اندیشیدن ما، تجربه های ما، و کردارهای روزانه مان نیز موضوع هایی بسیار استعاری اند. (لیکاف و جانسون؛ ۱۹۸۰، ۳). به این ترتیب باید گفت

-
1. Poetics (De Poetica)
 2. Proportional Metaphor
 3. Metaphors We Live By
 4. George P Lakeoff
 5. Mark L Johnson

که بنیان استعاره، مفهومی است و نه زبانی. ما نه تنها به شکل استعاری سخن می‌گوییم بلکه به شکل استعاری نیز می‌اندیشیم و استعاره‌های رایج در گفتارمان بازتاب‌دهنده بنیان اندیشه‌هایمان هستند. با این نگاه به استعاره، تعریف آن برخلاف تعریف ارسطو، انتقال نام چیزی به چیزی دیگر برای زیبایی‌آفرینی ادبی نیست بلکه درک چیزی بر پایه چیزی دیگر است. لیکاف و جانسون بر این نکته تأکید دارند که استعاره تنها ابزاری زبانی برای بیان اندیشه نیست بلکه شیوه‌ای برای اندیشیدن درباره چیزهاست (همان، ۳۷). آن‌ها بر این باورند که؛ نظام مفهومی ما چیزی نیست که در حالت عادی از آن آگاه باشیم. ما در بسیاری از کارهای کوچک روزانه‌مان، کمابیش ناخودآگاه در مسیرهای خاصی می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم. اینکه این مسیرها چیستند، به هیچ روی معلوم نیست. یک راه برای شناختن آن‌ها، روی‌داشت به زبان است. از آنجایی که امر ارتباط بر همان نظام مفهومی استوار است که ما در اندیشیدن و عمل کردن به کار می‌بریم، از این رو زبان مرجعی مهم برای شواهدی است که ما را در دسترسی به آن نظام یاری می‌دهند (همان، ۳).

زبان‌های طبیعی^۱ هریک از زبان‌هایی هستند که در گفتار و نوشتار در جامعه‌های زبانی استفاده می‌شوند. این زبان‌ها در شمار پدیده‌های خودظهاری^۲ یعنی پدیده‌هایی که به طور طبیعی و با نظمی خودجوش و بدون مداخله انسانی پدیدار شده و گسترش یافته‌اند. در هر جامعه زبانی در کنار زبان طبیعی و رایج در گفتار و نوشتار، زبان دیگری نیز وجود دارد که زبان دانش است و به نام زبان ارجاعی^۳ از آن یاد می‌شود. زبانی که برای بیان مفاهیم علمی در شاخه‌های گوناگون دانش به کار برده می‌شود و استعاره و تشبیه بخشی درخور توجه از آن را تشکیل می‌دهد. در این زبان درک چستی بسیاری

1. Natural Languages
2. Cosmos
3. Referential Language

از مفاهیم علمی مستلزم بیان استعاری بوده و استعاره سازوکار اصلی برای تبیین علیت و استدلال انتزاعی است. لیکاف در این باره می‌گوید؛ علوم مختلف و علوم انسانی، همه از نظریه‌های علی استفاده می‌کنند ولی استعاره‌های علی می‌توانند بسیار متفاوت باشند و به همین سبب دریافت‌های علی به دست آمده از آنها هم متفاوت خواهد بود. باید در نظر داشته باشید که علیت فقط از یک نوع نیست. گونه‌های مختلف از علیت وجود دارد که هر یک دارای دریافت منطقی متفاوتی است و علمای فیزیک، علوم اجتماعی و علوم شناختی، واقعیت را با استفاده از استعاره‌های دارای علیت‌های متفاوت بیان می‌کنند. علم بدون استفاده از استعاره‌ها وجود ندارد ضمن اینکه با انتخاب استعاره‌های علیتی شروع می‌شود (نیلی‌ور؛ ۱، ۱۲، ۶۴). امروزه پژوهش درباره استعاره‌های رایج در علوم به یکی از شاخه‌های پژوهشی مهر تبدیل شده است.

گرت مورگان^۱ با انتشار کتاب «انگارها سازمان»^۲ در سال ۱۹۸۶ با روشی نوآورانه به بررسی و بازشناسی نظریه‌های سازمان از منظر استعاری پرداخت و سپس در سال ۱۹۸۹ در کتاب «نظریه سازمان آفریننده»^۳ و در سال ۱۹۹۳ در کتاب «انگارش؛ هنر مدیریت آفریننده»^۴ درباره چگونگی استفاده از استعاره در امور مدیریت و سازماندهی سخن گفت. وی در استفاده از استعاره‌ها برای شناخت سازمان‌ها و ساختارهای سازمانی گفته است: یکی از ویژگی‌های ارزشمند سازمان‌شناسی با استفاده از استعاره‌ها این است که هر استعاره ذهن را به استعاره‌های جدیدی رهنمون می‌سازد و مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و استعاره‌های مکمل و جایگزین را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد ذهن در یک سیر بی‌انتهای فراگرد دانش‌افزایی خویش را طی می‌کند (مشبکی؛ ۳۷۹، ۱۳۸۳).

1. Gareth Morgan

2. Images of organization

3. Creative organization Theory

4. Imaginization; The Art of Creative Management